

نقش آفرینی و ظرفیت سازی دانشگاه‌های نسل چهارم برای توسعه محلی و

منطقه‌ای

*رضا مهدی * **مسعود شفیعی

* استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

**استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر

mahdi002@gmail.com

چکیده

با توجه به نقش دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در فرایند جهانی شدن و توسعه ملی، منطقه ای و محلی، در این مقاله عوامل مؤثر بر توسعه محلی و منطقه‌ای به ویژه عواملی که دارای نفوذ قوی تری در توسعه منطقه ای درازمدت هستند، بررسی شده است. در این مقاله، با استناد به دانشگاه خصوصی WSB- NLU که حاصل سرمایه‌گذاری مشترک دانشگاه ملی لوئیز و ویسزا اسکولا بیزنیسوا می باشد، الگوی جدیدی از نهادهای آموزش عالی به نام «دانشگاههای نسل چهارم» معرفی شده است. دانشگاههای نسل چهارم، از یک سو، تأثیر قابل توجهی بر محیط پیرامون و توسعه محلی و منطقه‌ای دارند و از سوی دیگر، این نوع دانشگاهها موجبات تحول و توسعه خود را فراهم می کنند. این مقاله، بر اساس معرفی اجمالی پروژه معظم «شبکه نوآوری و انتقال دانش» و «شهر چندرسانه‌ای» نووی ساکزا لهستان تدوین شده است. بر اساس محتوای این مقاله، دانشگاههای نسل چهارم فراتر از آموزش، پژوهش و کارآفرینی، به مثابه ایجادکننده و فرصت ساز توسعه محلی و منطقه ای عمل می کنند. از این دانشگاهها انتظار می رود که علاوه بر تحول درونی منطبق با شرایط محیطی، زمینه تحول محیط پیرامون خود را نیز خلق کنند. در حال حاضر، اگر چه در عالم واقعیت، تعداد این نوع دانشگاهها کم می باشد، اما کارکرد مسئولیت پذیری اجتماعی و پاسخگویی ایجاب می کند که در دهه های آینده تعداد دانشگاههای نسل چهارم در تمامی نقاط سیاره زمین افزایش یابد. بدیهی است دانشگاههای ایران نیز نمی توانند و نباید از این تحول و دگرگونی شگرف عقب بمانند.

واژه‌های کلیدی: دانشگاه نسل چهارم، ارتباط صنعت و دانشگاه، شبکه نوآوری، انتقال فناوری، توسعه محلی و منطقه ای

مقدمه

عالی ایران به سبب اقتباس دانشگاههای ایران از الگوهای

دانشگاهی غرب و ضرورت درون زایی و توسعه ارتباطات تعاملی

با نظامهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، یک مسأله

حیاتی است. بر اساس فلسفه آموزش عالی، آموزش، پژوهش و

خدمات اجتماعی سه رسالت کلیدی و غیرقابل تردید

دانشگاههای معاصر می باشد. روشنگری، تعمیق ارزشها،

هنجارها، باورها، عقاید و اخلاق و آماده سازی دانشجویان برای

دانشگاههای مدرن امروزی تنها محل آموزش، تولید علم و

فناوری و صرفاً یک سازمان مادی نیستند [۱]. امروزه، رسالت

فرهنگی دانشگاهها در آماده سازی دانشجویان برای رویارویی با

واقعتهای جامعه، اهمیت زیادی پیدا کرده و به رسالت اجتماعی

و جامعه پذیری دانشگاه برای تربیت شهروند خوب، تأکید می

شود [۲]. احیاء و ارتقای رسالتهای فرهنگی و اجتماعی آموزش

اصطلاح دانشگاه کارآفرین، پیش از ۱۹۹۸ در هیچ جا صراحتاً استفاده نشده بود - در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ دولتها و مقامات محلی در بسیاری از کشورهای اروپایی دانشگاه‌های جدیدی تأسیس کرده و آنها را در خارج از کلان شهرها، در شهرهای کوچک و متوسط مستقر کردند. این دانشگاه‌ها بر لوح سفید ایجاد شده و از این رو عاری از ساختارهای علمی صلب (غیر منعطف) منبعث از سنت دانشگاهی بنا شدند و به راحتی توانستند بر مبنای الگوی مدیریت شرکتی^۶ به روش‌های جدیدی در مدیریت دانشگاهی دست یابند. البته، اصطلاح «دانشگاه کارآفرین» نه در ارتباط با برنامه‌های آموزشی اساسی یک دانشگاه و نه یک نام جایگزین برای یک مدرسه کسب‌وکار است، بلکه این اصطلاح اشاره به روش‌های مدیریتی استفاده شده از سوی مسئولان دانشگاه است که همانند یک کارآفرین، به علائم محیط، نیازهای شرکت‌های خاص یا مدیریت عمومی (دولت) واکنش نشان می‌دهد و به خوبی قادر است نیازهای جامعه را شناسایی و برای پاسخ به این نیازها با رویکرد دانش و فناوری، تدبیر کند. مسئولان دانشگاه کارآفرین ساختارهای سازمانی سلسله مراتبی با رؤسا و مدیران واحدها و نهادهای همسان که برای دهه‌ها جایگاه‌های خویش را حفظ کرده اند ایجاد نمی‌کنند؛ در مقابل تیمهای پروژه ای را برای انجام وظایف خاص، نه تنها در حوزه اجرا و آموزش بلکه به عنوان تیمهای پژوهشی پروژه ای، خلق می‌کنند. انعطاف این نوع از ساختارهای سازمانی، با مدیران ناظر بر کارهای گروهی، تحرک کارکنان دانشگاه را افزایش داده و موجب ارتقای اثربخشی فعالیتها

زندگی جمعی و پرورش شهروندان مسئول و خودانگیزته، از خدمات اجتماعی دانشگاهها است. با توجه به رسالتهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاهها و تأثیرات شگرف آنها در بالندگی جامعه، تمدن سازی و توسعه منابع انسانی متعهد و متخصص، تلاش برای تبیین چرایی و چگونگی تعامل دانشگاه با جامعه و دولت (حکومت) و تحول درون زای فضای دانشگاهی یک وظیفه مهم در سیاستگذاری و برنامه ریزی نظام دانشگاهی و بهره گیری از ظرفیت بی نظیر نظام دانشگاهی است.

در تجزیه و تحلیل شرایط آموزش عالی در کشورهای توسعه یافته می توان دو کارکرد لاینفک را برای انواع دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، متمایز کرد:

۱. دانشگاه‌های آموزشی^۱، دانشگاههایی که رسالت و مأموریت^۲ آنها آموزش دانشجویان و آماده کردن آنان برای کار حرفه‌ای است. در این دانشگاهها پژوهش علمی زیرمجموعه ای از هدف اصلی یا نتیجه علایق اعضای هیأت علمی یا سفارشهای بیرونی است؛

۲. دانشگاه‌های پژوهشی^۳، در این دانشگاهها فرایندهای آموزشی به عنوان انشعاب و شاخه‌ای از پژوهش علمی تعریف می‌شوند و آموزش، در یک حوزه خاصی از علم هدایت می‌شود که دانشجویان را برای انجام کار پژوهشی مستقل در حوزه معینی از علم آماده می‌کند [۳].

۳. دانشگاه کارآفرین، در دهه ۱۹۹۰، مفهوم «دانشگاه کارآفرین»^۴ عمدتاً توسط برتون کلارک^۵ [۴] عمومیت یافت.

^۱. Educating University

^۲. Mission

^۳. Research University

^۴. Entrepreneurial University

^۵. B. Clark

^۶. Enterprise Management

ملی و بین‌المللی، ۱۲. استقلال داخلی و تأمین مالی دانشگاه‌ها، ۱۳. در کل، در پاسخ به همه این موارد، بازتاب ارزش عمومی دانشگاه‌ها.

از نظر برخی صاحب نظران، دانشگاه کارآفرین هنوز در حد یک سفر است که موفقیت این سفر به عوامل متعددی وابسته است [۷]. کلارک [۴] معتقد است دانشگاه‌های پویای امروزی دانشگاه‌هایی اند که کارآفرین بوده و قادرند ارزشهای تخصصی و مدیریتی را با یکدیگر تلفیق کنند. همچنین، از نظر وی هدفمند کردن فعالیت‌ها، ایجاد توازن میان آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی و تنوع در تأمین مالی، از جمله ویژگی‌های بارز دانشگاه‌های پویاست. بر اساس چشم‌انداز جهانی آموزش عالی برای قرن ۲۱ از دیدگاه یونسکو، دانشگاه جایگاهی است که در آن مهارت‌های کارآفرینی در آموزش عالی به‌منظور تسهیل قابلیت‌های دانش‌آموختگان و تبدیل آنها به ایجادکنندگان کار، پرورش می‌یابد [۸].

دانشگاه‌های کارآفرین به‌مثابه نسل تکامل یافته دانشگاه‌های نسل اول و نسل دوم، با ایجاد محیط یادگیرنده که در آن تطبیق با تغییر و استفاده از فرصت‌های نوآوری حرف اول را می‌زند، شروع کننده حرکتی هستند که در نهایت منجر به تقویت نظام ملی نوآوری می‌شود. دانشگاه کارآفرین دانش‌آموختگانی را به جامعه تحویل می‌دهد که دانش را در کنار پژوهش‌های کاربردی بخدمت گرفته و با نوآوری، کار می‌آفرینند. ایراد عمده در طرح موضوع و پیگیری ایده دانشگاه کارآفرین، تمرکز بر کارآفرینی

می‌شود. «دانشگاه کارآفرین» به شدت به محیط دور و نزدیک گره خورده و از سوی اجتماع محلی به واسطه مشارکت دانشمندان در باشگاه‌ها، انجمن‌ها و ابتکارات محلی، احاطه شده است. «دانشگاه کارآفرین» یک نهاد آموزش عالی است که در عرصه های متعددی فعال است و پیوسته در جستجوی فرصت‌های جدید بوده و در سازگاری با بازار در حال تغییر و نیازها و چالش‌های آن، انعطاف‌پذیر است. برای توصیف «دانشگاه کارآفرین» می‌توان از واژه شایسته نهاد «جلد و چابک»^۱ مطرح شده از سوی کرویزر^۲ [۵] استفاده کرد.

مبانی و ادبیات دانشگاه کارآفرین، شامل دامنه وسیعی از موضوعات مختلف است [۶]: ۱. ایده فلسفی بنیادی دانشگاه و چگونگی تغییر در طول زمان و فرهنگ دانشگاهی، ۲. تجاری سازی دانش موجود در دانشگاه، ۳. فرایند انتقال و تبدیل فناوری، ۴. ارتباط نزدیکتر دانشگاه با صنعت (جامعه)، ۵. جنبش الگوی پیچش سه گانه صنعت، دانشگاه، دولت، ۶. اشتغال و توسعه مهارت‌های دانش‌آموختگان و آماده سازی آنها برای بازار جهانی نیروی کار، ۷. پاسخ راهبردی به انبوه تقاضا (توده‌ای) برای آموزش عالی، ۸. بین‌المللی کردن دانشگاه‌ها و راهبردهای آنها برای رقابت جهانی، ۹. تغییر ماهیت جامعه دانش و چالش مرتبط با سازمان دانش در درون آموزش عالی، ۱۰. فشارها بر آموزش عالی جهت پاسخ به مسائل محلی و منطقه ای توسعه اجتماعی- اقتصادی، ۱۱. فشار بر آموزش عالی از سوی دولت‌ها جهت پرورش نوآوری و تحقق دستورکارهای مرتبط با رقابت

¹. Agile Institution

². Croizer

فنی- اقتصادی و کم توجهی به جامعیت رویکرد کارآفرینی و تقلیل دانشگاه کارآفرین در حد بنگاه تجاری است.

در نظام آموزش عالی ایران نیز سالهاست که مسئولان و سیاستگذاران علمی کشور موضوع دانشگاه کارآفرین را مطرح می کنند، اما تاکنون نتیجه ملموسی از دانشگاه کارآفرین عینیت پیدا نکرده است. شاهد این مدعا پنجمین همایش پیشرفت و توسعه علمی کشور با محوریت دانشگاه نسل سوم است که در سال ۱۳۹۶ در دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد و در این همایش مشخص شد که دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ایران حرکت قابل توجهی به سوی دانشگاه کارآفرین انجام نداده اند. در سند تحول دانشگاههای علوم پزشکی ایران نیز به موضوع حرکت به سمت دانشگاه نسل سوم و کارآفرین شدن تأکید شده است، اما تاکنون علائم عینی قابل قبولی از این برنامه، مشاهده نشده است.

به علاوه، در سالهای اخیر به دلیل توسعه فزاینده اقتصاد دانش بنیان، اصطلاح «دانشگاه دانش بنیان» [۹] یا «دانشگاه دانش محور»^۱ برای توصیف دانشگاه به عنوان نهادی که آگاهانه دانش را مدیریت و به محیط بیرونی منتقل می کند معرفی شده است. چنین دانشگاهی با ذی نفعان خود به عنوان شرکای خلق محصولات آموزشی، پژوهشی و مشاوره رفتار می کند. ماهیت دانشگاه دانش محور عبارتست از خدمات رهبری، انعطاف پذیری ساختارها (گشودگی در برابر تغییر) و خلق فرهنگ شرکتی برای تسهیل تسهیم دانش علمی است. در دانشگاه دانش بنیان به جای

الگوی خطی، الگوی تعاملی مدیریت دانش^۲ معمول در جامعه یادگیرنده، غالب است.^۳

در نیمه دوم قرن بیستم، دو هدف اساسی دانشگاهها شامل آموزش و پژوهش علمی، با کارکرد سوم تکمیل شده است: پیوند با محیط اجتماعی و اقتصادی، به ویژه چرخه های کسب و کار. دانشگاههای پیشرو ایالات متحده در سازگاری با واقعیت های جدید سریع تر عمل کردند و دانشگاه استنفورد و دره سیلیکون^۴ همکاری دو جهان علم و اقتصاد را که در گذشته بسیار از هم فاصله داشتند بهینه کردند.

در این مقاله، بر اساس تجربه دانشگاههای ایالات متحده، مفهوم «دانشگاه نسل چهارم» مفهوم سازی شده است. در این مفهوم سازی، فرض شده است که دانشگاه سنتی یا آموزشی نماینده دانشگاههای نسل اول، دانشگاههای پژوهشی نماینده دانشگاههای نسل دوم و دانشگاههای دانش محور و کارآفرین نماینده دانشگاههای نسل سوم هستند که در این دانشگاهها هر سه کارکرد آموزش، پژوهش و نوآوری و پیوند با محیط از اهمیت یکسانی برخوردارند. این دانشگاهها به واسطه انتقال دانش، فناوریها و ایده ها و بهره برداری از دانش و فناوری، نقش کارآفرین را ایفا می کنند. همچنین، نوع دیگری از دانشگاهها متولد شده اند که ویژگی ذاتی آنها خلق کننده^۵ توسعه محلی و منطقه ای و اهتمام به ارتقای محیط پیرامون است. بر اساس مطالعات اندکی که در زمینه این نوع دانشگاهها انجام شده است

². Interactive model of knowledge management

³. Zarządanie wiedzą w społeczeństwie uczącym się [Knowledge Management in the Learning Society]. Warszawa: OECD, Ministerstwo Gospodarki, Departament Strategii Gospodarczej, 2000, p. 38.

⁴. Silicon Valley

⁵. Creator

¹. Knowledge Subordinated University

آنها را دانشگاه نسل چهارم، نام گذاری کرده و ویژگی ممتاز آنها تمایز جدی در شیوه و الگوی مدیریتی است.

دانشگاهها و جهانی شدن

دانشگاهها نقش بسیار مهم و بی بدیلی در پیشرفت و توسعه جوامع دارند. دانشگاههای بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران، به سبب اقتباس از الگوهای دانشگاههای غربی، کمتر توانسته است ارتباط تعاملی مناسبی با شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایجاد نماید. به زعم یمنی [۱] زمانی که الگوی توسعه دانشگاه، ریشه در شناخت دانشگاه و محیط آن نداشته باشد آن را از مسائل واقعی دور می سازد و بجای آثار مثبت، آثار منفی بر جای می گذارد. سیر تحولات نظام دانشگاهی نشان می دهد دانشگاهها همواره از نیروها و عوامل بیرونی تأثیر می پذیرند. به عبارتی، دانشگاه بشکل اجتماع و جمهوری علمی است که تأثیرات حکومت و بازار را تحمل می کند [۲]. دانشگاهها همواره در معرض تحولات درونی و بیرونی متأثر از روندها و تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جامعه ملی و بین المللی بوده اند. از این رو، لازم است در راستای تأمین نیازها و و تحقق ارزشهای جامعه، خود را با شرایط و اقتضائات محیط و جامعه تطبیق دهند. از منظر آینده نگری نیز برخی صاحب نظران، الگوی توسعه دانشگاهها را یک الگوی تعاملی دانسته و معتقدند دانشگاهها باید نسبت به نیازهای جامعه و دولت (حکومت) پاسخگو باشند. بر پایه دیدگاههای اندیشمندان بزرگ غربی، ارزشهای علمی مخصوصاً در علوم

انسانی، هرگز از ساختار اجتماعی جدا نبوده [۱۰] و نظام آموزشی در زمینه ملی^۱ از سیاست، سطح عمومی جامعه و توسعه اقتصادی و اجتماعی، خصوصاً فرهنگ، تأثیر می پذیرد (همان). همچنین، به اذعان اندیشمندان غربی، اعتبار علمی که در کشورهای شمال [غرب] رشد یافته اند بر آموزش و پژوهش در کشورهای جنوب [در حال توسعه] اثر بازدارنده داشته است. غالباً دانشجویان جنوب تلاش می کنند تا نظریه ها، مفاهیم و روشهای توسعه داده شده در غرب را بدون تأمل در مورد تناسب آنها با جامعه خود، بپذیرند.

در یک تقسیم بندی ساده می توان گفت دو عامل کلیدی، مشخصه اقتصاد کشورهای توسعه یافته و پیشرفته است: جهانی شدن و استفاده عمومی از دانش به مثابه منبع حیاتی که بسیار مهمتر از مواد خام، فناوریها یا سرمایه و تولید ارزش افزوده بالاتر، است. در بسیاری از کشورها به ویژه در اروپای قاره ای، به نظر می رسد که هنوز جهان علم توجهی به تغییرات در حال وقوع در اقتصاد ندارد. اغلب می شنویم که علم دارای ماهیت جهانی است و تجربه های دنیای کسب و کار نمی تواند و نباید به درون دانشگاهها منتقل شود. از سوی دیگر، چشم پوشی از این واقعیت دشوار است که میانگین تولید ناخالص داخلی^۲ در کشورهای نظیر ایالات متحده و بریتانیا که معرف روشهای مدیریتی در اداره دانشگاهها هستند و دانشگاههای آنها به شکل پویا با محیط اقتصادی و اجتماعی پیوند دارند بالاتر از میانگین تولید ناخالص داخلی بزرگترین کشورهای اروپایی می باشد.

1. National Context

2. GDP

توضیحی مبنی بر این که این راهبرد، دست کم برای ۲۵ سال آینده بوده و درگیرنده مشارکت همه کشورهای عضو اتحادیه است وجود ندارد [۱۴]. با این حال، سمت‌وسوی «راهبرد لیسبون تجدید نظر شده» صحیح بوده است. کمیسیون اروپایی بر هدف تبدیل شدن به رهبر جهانی، هدفی که واقعی به نظر نمی‌رسید، پافشاری نکرد و به جای آن، بر «رشد» و «اشتغال» به عنوان دو اولویت تأکید کرد و «پشتیبانی از دانش و نوآوری» را به عنوان ابزار مهم رشد اقتصادی معرفی کرد. مهمترین جنبه‌های مثبت بیانیه اتحادیه اروپایی به شرح زیر تحلیل شده‌اند:

۱. توصیه‌هایی در جهت پشتیبانی از سرمایه‌گذاری در دانش، نوآوری، ظرفیت پژوهش و آموزش فنی و حرفه‌ای و کارآموزی بهتر در برنامه‌هایی که از محل «بودجه‌های ساختاری و انسجام»^۶ تأمین مالی می‌شوند،

۲. نه تنها شروع برنامه چارچوب هفتم (VII) پژوهش، توسعه فناوریانه و عملیاتی کردن ۲۰۱۳-۲۰۰۷، بلکه آغاز برنامه چارچوب رشد نوآورانه و نوآوری.

یک جنبه منفی بیانیه اتحادیه اروپایی که باید مورد انتقاد قرار گیرد تأکید بر ضرورت تقویت «همکاری میان مؤسسات پژوهشی دولتی و صنعت» است. نویسنده عمیقاً متقاعد شده است که مؤسسات پژوهشی خصوصی به مراتب در عرصه آموزش عالی و پژوهش علمی بهتر هستند و این امر می‌تواند حتی بدون استناد به نمونه‌های ایالات متحده اثبات شود. از این‌رو، به جای «درخواست» یا پافشاری بر اینکه مؤسسات علمی عمومی باید

تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری از تجربه دانشگاه‌های ایالات متحده [۱۱] و روابط آنها با جهان واقعی، دارای ارزش ویژه‌ای است. این مهم، نه تنها برای مقامات اتحادیه اروپا، بلکه برای کشورهایی که جدیداً عضو این اتحادیه شده‌اند بایستی الهام‌بخش و امیدآفرین باشد.

مقامات اتحادیه اروپا «راهبرد لیسبون»^۱ را در سال ۲۰۰۰ تصویب کرده^۲ و مفروض داشته‌اند که تا سال ۲۰۱۰ به جایگاه پیشرویی در سطح جهانی دست یابند و آشکارا بر نقش دانشگاه‌ها در دستیابی به این هدف، تأکید کرده‌اند. در بیانیه رسمی کمیسیون اروپایی ۲۰۰۳ با عنوان «نقش مدارس عالی در اروپای دانش»^۳ تحلیل برجسته‌ای از «جهان علم اروپایی»^۴ ارائه شده است [۱۲]. با این وجود، این تلاش‌ها در سطح تحلیل متوقف شده و نتایجی مبنی بر ضرورت تنظیم دانشگاه‌ها در جهان معاصر، به ویژه عملیاتی کردن تجربه‌های دانشگاه‌های ایالات متحده، در دانشگاه‌های اروپایی دیده نمی‌شود. با نگاهی به اهداف مطرح شده در چشم‌انداز ۲۰۰۷ «راهبرد لیسبون»، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که هر دو حوزه «اقتصاد» و «تحقیق و توسعه (R&D)» اتحادیه اروپایی تا سال ۲۰۱۰ نمی‌تواند به موقعیت پیشرو جهانی تبدیل شود.

در سال ۲۰۰۵، پیرو گزارش کمیسیون کک^۵، کمیسیون اروپایی در بیانیه ویژه‌ای در شورا و مجلس اروپایی [۱۳] «راهبرد لیسبون تجدید نظر شده» را ارائه کرد. در سال ۲۰۰۹ هیچ

1. Lisbon Strategy

2. Available at <www.strategializbonska.pl

3. The Role of Higher Schools in the Europe of Knowledge

4. European World of Science

5. Cook

6. the Structural and Cohesion Funds

علمی^۲ را شامل تحرک دانشجویان، تحرک استادان، تحرک برنامه ها و تحرک پردیسهای دانشگاهی معرفی کنیم [۱۵] آنگاه در می یابیم که وضعیت و موقعیت نظام آموزش عالی ایران در فرایند بین المللی سازی آموزش عالی چه میزان ناقص و نیازمند بهبود و اصلاح است. به عنوان مثال، در زمینه تحرک دانشجویان، وضعیت ایران نسبت به ترکیه قابل تأمل است: نسبت دانشجویان بین المللی در کل جهان ۱/۹ درصد، در ترکیه ۱/۲ درصد و در ایران ۰/۵ درصد می باشد. بر اساس اطلاعات رسمی شورای آموزش عالی ترکیه در حال حاضر ۵،۳۰۰ دانشجوی ایرانی در ترکیه در حال تحصیل هستند، اما در نظام آموزش عالی ایران دانشجویان ترک حضور ندارند. ترکیه در مقایسه با سایر کشورهای رقیب، حرکت خود را در زمینه آموزش عالی بین المللی و جذب دانشجوی خارجی دیرتر آغاز کرده است. این کشور در سال ۲۰۰۰، چهار دانشگاه خود شامل اوتادغو، غازی، آنکارا و حاجت تپه را به عنوان طرحی برای جذب دانشجویان خارجی مسلمان به نخست وزیر ارائه کرده است [۱۶]. به عبارتی، اغلب (یا تمامی) تلاش های ترکیه در جذب دانشجوی بین المللی متعلق به قرن ۲۱ می باشد. بر اساس سیاست های ترکیه، پشتیبانی فعال دولت از آموزش عالی بین المللی و گسترش دانشگاه های کشور، تعداد دانشجویان خارجی در حال تحصیل در این کشور طی شش سال (از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲) دو برابر شده و از ۱۵،۴۸۱ نفر به ۳۱،۱۷۰ نفر رسیده است. این دانشجویان از ۱۵۵ کشور جهان به ترتیب آذربایجان، ترکمنستان، قبرس شمالی و اروپا شامل آلمان و یونان برای

روابط خود را با اقتصاد تقویت و تشدید کنند معرفی سازوکارهایی برای تأمین مالی مؤسسات علمی خصوصی به منظور ارتقای اثربخشی و ارتباط تنگاتنگ آنها با محیط پیرامون، ارجحیت دارد.

برای کشورهای کمتر توسعه یافته، به ویژه کشورهای نظیر لهستان که جدیداً در اتحادیه اروپایی پذیرفته شده اند، راهکارها و اولویتهای جدید ارائه شده در بیانیه ۲۰۰۵، ممکن است همراه با علائم منفی (و تصمیم گیری های منفی در آینده) باشد. چرا که مفروض آنها این است که نیاز به تمرکز سرمایه گذاری ها در مناطق بیشتر توسعه یافته و مؤسسات علمی واجد بالاترین ظرفیت، به زبان «خطمشی رشد متوازن»^۱ است. بی تردید، چنین اقداماتی اثربخشی بودجه های کاربردی را افزایش داده و همچنین منجر به رشد مضاعف کلان شهرهای اروپایی می شود، اما این گونه اقدامات می تواند مانع رشد سریع اعضای تازه پذیرفته شده در اتحادیه و مناطق آنها و دستیابی به ظرفیتی که به این کشورها اجازه می دهد تا با بهترین مناطق رقابت کنند، باشد. از این رو، بخش بعدی این مقاله، بر فعالیتهایی که قادرند ابتکاری برای سازوکارهای توسعه متمایز و همچنین توسعه مناطق کمتر توسعه یافته اتحادیه اروپایی باشند، متمرکز شده است.

تأمل در نظام آموزش عالی ایران، نشان می دهد که دانشگاه های ایران در فرایند جهانی شدن و استفاده از تجربه، دانش و منابع جهانی بسیار کند و دیر عمل می کنند. اگر تحرک

2. Academic Mobility

1. Balanced growth policy

دانشجو بیشترین آمار دانشجویان بین‌المللی را به خود اختصاص داده است و کره‌جنوبی با ۱۱ دانشجو آخرین رتبه جدول فراوانی دانشجویان خارجی در ایران را داراست. بر مبنای آمارهای یونسکو نیز حدود ۱۱ هزار دانشجوی خارجی از کشورهای نظیر افغانستان، عراق، سوریه و لبنان با پذیرش از طریق کنکور در ایران تحصیل می‌کنند. همچنین، تعداد دانشجویان خارجی شاغل به تحصیل در رشته‌های پزشکی حدود ۱۶۰۰ نفر است که از این تعداد بیشترین تعداد متعلق به دانشجویان افغانستان با ۴۹۱ نفر است. به علاوه، دانشجویان عراقی با ۱۹۴ نفر و دانشجویان سوری با ۱۶۰ نفر، دانشجویان لبنانی با ۱۰۴ نفر بیشترین دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران هستند. در مجموع از ۳۶ کشور دنیا در رشته‌های پزشکی دانشجو در ایران حضور دارد که کشورهای پاکستان، یمن، تاجیکستان، فلسطین، نیجریه، هند، اتیوپی و بحرین به ترتیب از ۴۹ تا ۱۳ دانشجو در ایران دارند. کشورهای سودان و غنا با ۵ دانشجو، کشورهای بنگلادش مصر با ۴ دانشجو، سوئد با ۳ دانشجو، کشورهای آمریکا، انگلستان، اردن، تایلند، عربستان هر کدام با دو دانشجو در ردیف این کشورها قرار دارند.

تفاوت‌های دانشگاه‌های امریکایی و اروپایی و وضعیت دانشگاه‌های ایران

مقامات اتحادیه اروپا و دولت‌های خاصی از این اتحادیه، در عین واقع‌گرایی در «راهبرد لیسبون» باید تجربه‌های جهانی را تجزیه و تحلیل کرده و اصل انتخاب بهترین فرمولها و راهکارها را بکار گیرند. نظام آموزش عالی امریکایی که در آن به طور وسیعی سطوح آموزش عالی، پژوهش و اجرا، در حوزه تحقیق و توسعه

تحصیل به ترکیه آمده‌اند. همچنین، بین سالهای ۲۰۱۲-۲۰۰۶، ۵۰ دانشگاه دولتی و ۳۶ دانشگاه خصوصی جدید تأسیس شده‌اند (مهدی، ۱۳۹۵). در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ از ۱۵۵ کشور دانشجوی خارجی وارد ترکیه شده است که جمهوری آذربایجان با بیش از ۴،۲۰۰ دانشجو، ترکمنستان با ۴،۱۱۰ دانشجو و قبرس شمالی با ۳،۸۰۰ دانشجو بالاترین کشورهای مبدأ دانشجویان خارجی دانشگاه‌های ترکیه بوده‌اند. کشورهای اروپایی نظیر آلمان و یونان هر کدام با ۱،۳۰۰ نفر در ترکیه دانشجو دارند. در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۳، ترکیه ۰/۹ درصد سهم بازار دانشجویان بین‌المللی را به خود اختصاص داده است. با ابتکار برنامه دهم توسعه، ترکیه سهم بازار خود را به ۱/۵ درصد دانشجویان خارجی و به رقم ۱۰۰،۰۰۰ نفر می‌رساند. به علاوه، بر اساس گزارش یک مطالعه، در سال ۲۰۱۵ حدود ۴۸،۰۰۰ دانشجوی خارجی در حال تحصیل بوده‌اند. حدود ۸۰ درصد دانشجویان خارجی در دانشگاه‌های دولتی و ۲۰ درصد آنها در دانشگاه‌های خصوصی جذب شده‌اند. حدود ۶۰ درصد دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه‌های مستقر در استانبول، آنکارا، ازمیر، کونیا و ارزوروم جذب شده‌اند (دپارتمان دانشجویان بین‌المللی نخست وزیری ترکیه، ۲۰۱۵). ترکیه در سال ۲۰۱۴، ۲۰۱۴، ۵۴،۰۰۰ دانشجوی خارجی بوده است که از جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، بلغارستان، آلمان، یونان، وارد ترکیه شده‌اند. همچنین، ترکیه در سال ۲۰۱۵، ۷۲،۱۷۸ دانشجوی بین‌المللی بوده است.

بر اساس آخرین برآوردها حدود ۲۶ هزار دانشجوی خارجی در ایران در حال تحصیل هستند. در این میان، افغانستان با ۱۷ هزار

می‌کند که مدیران و بخشی از کارکنان این دانشگاهها «در خواب^۲» باشند.

به اعتقاد نویسندگان این مقاله، یکی از دلایل اساسی اثربخشی عالی دانشگاه‌های ایالات متحده امریکا شیوه مدیریت و مسیرهای کوتاه کارراهه شغلی دانشگاه‌های امریکاست. اصل استقلال دانشگاهی وسیع در اکثر کشورهای عضو اتحادیه اروپایی مؤید این واقعیت است که اعضای هیأت علمی دانشگاهها مدیران دانشگاه را انتخاب می‌کنند. گاهی رؤسای دانشگاهها یا دانشکده ها از سوی دانشمندان صاحب‌نام، یا «مشاهیر علم^۳» دانشگاه یا دانشکده متبوع انتخاب می‌شوند. از سوی دیگر، در ایالات متحده امریکا جایگاه ریاست یک حرفه معمولی است که در چارچوب نظام کارآموزی (ترقی شغلی و تجربه‌اندوزی) و ارتقا به جایگاههای بالاتر فراهم می‌شود. سرانجام، اعضای هیأت امناء، افرادی که در دانشگاه مورد نظر شاغل نیستند، رئیس دانشگاه را انتخاب می‌کنند، در حالی که بدنه های اجتماعی دانشگاه صرفا می‌توانند به عنوان مشاوران، نقش ایفا کنند. نویسندگان این مقاله، دانشگاه‌های اروپایی و امریکایی را مشاهده کرده و معتقد است که کارکرد مدیریتی دانشگاهها یکی از مهمترین مزیت‌های دانشگاه امریکایی است.

نظام دانشگاهی ایالات متحده امریکا تنها یک درجه علمی به نام دکتری دارد. این موضوع، با استعدادترین و سختکوش‌ترین دانشمندان امریکایی را برای کسب استقلال آموزشی و پژوهشی بسیار سریع‌تر از دانشمندان اروپایی توانمند می‌سازد. استاد

(R&D) تعریف می‌شود، می‌تواند به عنوان راهکار اتخاذ شود. شرح تفصیلی مؤلفه های اساسی ذی‌نفوذ بر اثربخشی نظام آموزش عالی امریکایی در یک مقاله کوتاه، دشوار است، اما در این مقاله لاجرم مهمترین عوامل این نظام مورد تأکید قرار گرفته اند.

شمار دانشگاه‌های اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا قابل مقایسه اند. اکثر کشورهای عضو اتحادیه اروپا بر اساس الگوریتم تعداد دانشجویان و کارکنان علمی و آموزشی، فعالیتهای تمامی دانشگاه‌های دولتی را به طور برابر تأمین مالی می‌کنند. اصل برابری، «گسترش» دموکراتیک ابزارهای بودجه ای، بدون توجه به کیفیت کارها و دستاوردهای علمی، اعمال می‌شود. در مقابل، در اکثر دانشگاههای ایالات متحده امریکا تحصیل دانشجویان از محل شهریه‌هاست و سازمانهای فدرال پژوهش در حدود پنجاه دانشگاه پژوهشی برتر را تأمین مالی می‌کنند. درصد بودجه عمومی تخصیص داده شده به تحقیق و توسعه (R&D) در اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا نیز قابل مقایسه است (به ترتیب، ۱ درصد و ۱،۲ درصد)، تفاوت عمده در منابع مالی تخصیص داده شده از سوی شرکتها و مؤسسات خصوصی نظیر بنیادها برای تحقیق و توسعه، نهفته است. در ایالات متحده امریکا درصد منابع مالی خصوصی تخصیص داده شده به تحقیق و توسعه «دو برابر» اتحادیه اروپاست. همچنین، سرعت دانشگاه‌های امریکا و شرکتهای دانشگاهی^۱ در عملیاتی کردن واقعی دستاوردهای علمی، حیاتی است. به طور کلی، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که ثبات مالی دانشگاه‌های اروپایی ایجاد

2. Sleepy

3. Science celebrities

1. Spin-off Firms

تبدیل کرده است که چشم انداز روشنی برای توسعه جامعه و رفع مسائل اقتصادی- اجتماعی ندرند.

سازوکار تأثیر دانشگاه‌های نسل چهارم در توسعه محلی و

منطقه‌ای

در ادبیات و مبانی علمی به بسیاری از عوامل و نهادهای ذی‌نفوذ در توسعه محلی و منطقه‌ای اشاره شده است. شکل شماره ۱ مبین مهمترین نهادها و سازوکارهای ذی‌نفوذ در توسعه محلی و منطقه‌ای است که به طور فعالانه در توسعه محلی و منطقه‌ای در بسیاری از بخش‌های کشور مشارکت و همکاری داشته است. پاولوسکی عمیقاً معتقد است که مهمترین عامل مؤثر در توسعه محلی و منطقه‌ای، دشوارترین مؤلفه ذی‌نفوذ در توسعه به نام «کارآفرینی فردی^۱» و «نوآوری» شهروندان و ساکنان^۲ یک شهر یا منطقه، می باشد. اگر کارآفرینی فردی و نوآوری شهروندان مورد حمایت و پشتیبانی نهادها و مقامات محلی و منطقه‌ای نه تنها به واسطه خلق جو حمایت و پشتیبانی بلکه از طریق فعال کردن سازوکارهای حمایتی نظیر معافیت‌های مالیاتی یا وام‌های ویژه، قرار گیرد، به آثار بهتری منجر خواهد شد. با این وجود، به نظر می‌رسد کلید موفقیت، فرهنگ چندوجهی کارآفرینی باشد که طی سال‌ها و حتی قرن‌ها بنا می‌شود، جوی که باعث می‌شود فرد کارآفرین یا گروهی از شهروندان دست به ابتکار مشترک بزنند، در اینجاست که قهرمانان واقعی، به نفع همه مردم اقدام می‌کنند. خلق یک اثر چند نسلی حقیقی و راستین، مستلزم یک نظام آموزشی (از آغاز نخستین سال دبستان) است که نگرش‌های

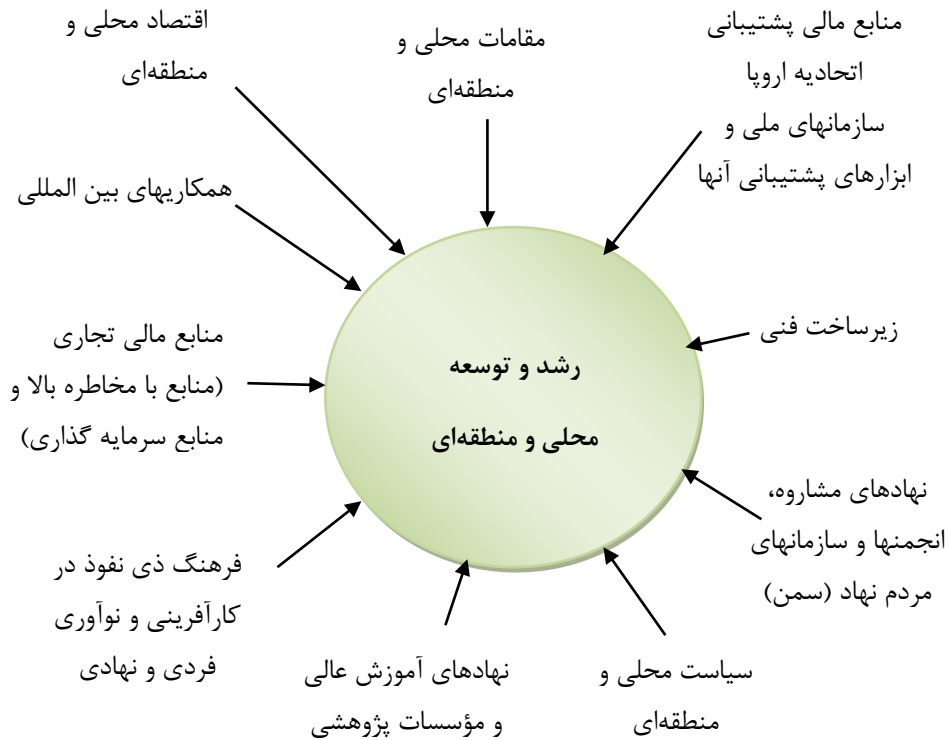
(پروفسور) صرفاً در دانشگاه‌های خاصی وجود دارد. یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی فرهنگ شرکتی، اصل اخذ درجه دکتری در دانشگاه متفاوت از جایی است که تحصیلات مربوط به مدارک اول یا دوم را انجام داده است. این اصل، مانع از موقعیت‌هایی می‌شود که در آن یک دانشمند از آغاز تحصیلات تا پایان کارراه حرفه‌ای صرفاً در یک دانشگاه فعالیت نماید. تحرک بالای اعضای هیأت علمی یک مؤلفه اساسی نظام آموزش عالی امریکایی است شامل حرکت به سمت دانشگاه‌های مشهورتر تا استخدام رسمی شدن و کسب جایگاه استادی در دانشگاهی که از امکانات پژوهشی بهتر، اعتبار و درآمد بالاتری برخوردار است. نظام ارزشیابی در نظام دانشگاهی آمریکا بر فعالیت پژوهشی مداوم تأکید داشته و ارزیابی فعالیت‌ها نه تنها بر انتشارات بلکه به طور مساوی بر اجرا و عملیاتی کردن دستاوردهای علمی نیز متمرکز است.

نظام دانشگاهی ایران ترکیب و تقلیدی از نظام‌های دانشگاهی آمریکا و اروپاست، اما دانشگاه‌های ایران در چند دهه اخیر دچار نوعی کمی‌گرایی و تولید دانش بدون هدف شده است. نحوه اداره دانشگاه‌ها، بودجه‌های آموزشی و پژوهشی، کم توجهی به کیفیت، عدم مسئولیت‌پذیری و عدم پاسخگویی به نیازهای محیط و جامعه و بی‌اخلاقی علمی از جمله ویژگی‌های آموزش عالی ایران در یک دهه اخیر است که ظرفیت آن را برای هر نوع تحول درونی و ایجاد تحول در محیط پیرامون ناچیز کرده است. همچنین، بی‌توجهی به رسالت و مأموریت نهادی در دانشگاه‌های ایران، آنها را به سازمان‌های مشابه و غیر قابل تمایزی

¹. Individual Entrepreneurship

². Innovativeness of the Inhabitants

کارآفرینی و نوآورانه را در میان کودکان و جوانان تشویق و تحریک کند.



شکل ۱- عوامل ذی نفوذ و مؤثر در توسعه محلی و منطقه‌ای [۱۴]

سرعت و به آسانی کارخانجات تولیدی خود را به مکان‌های جدیدی که امکان سودآوری بیشتر و سریعتر فراهم است، منتقل می‌کنند. بنابراین، پشتیبانی و حمایت از کسب‌وکارهای محلی ریشه عمیق‌تری در میل و اراده جامعه محلی داشته و در بلندمدت، توسعه پایدارتری را به ارمغان می‌آورد. همچنین، سیاست محلی و منطقه‌ای و همچنین نهادهای محلی، نقش مهمی در پشتیبانی و امیدآفرینی (به عنوان مثال، به واسطه سرمایه گذاری در زیرساختهای محلی و منطقه‌ای) ایفا می‌کنند.

سایر نهادها و سازوکارهای حمایتی (مطابق شکل ۱) نقش حائز اهمیت و گاهی حتی نقش ثانویه اساسی ایفا می‌کنند. پاولوسکی به عنوان نمونه مدعی است که شرایط اقتصادی محلی و منطقه‌ای، یعنی شرایط شرکت‌های کوچک و متوسط، حتی مهمتر از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ شرکت‌های بین المللی است. شرکت‌های بین المللی می‌توانند محرک توسعه در یک منطقه خاص باشند و امکان توسعه عمیق برای شرکت‌های محلی فراهم کنند، اما به دلیل ماهیت شرکت‌های بین المللی این شرکتها با

سایر نهادهای مرتبط با آموزش در سطح منطقه یا شهر است. کلید موفقیتی که هنوز برای مقامات و مسئولان محلی کم‌ارزش است، نظام آموزش ابتدایی مناسب است. در مدارس ابتدایی باید نگرشهای مناسب نظیر توجه به جهان، نگرش مثبت به حل مسئله و شجاعت و جرأت فکری، در دانش‌آموزان بتدریج تفهیم شود: به نام ویژگی‌های که بعداً نگرش کارآفرینی و نوآوری را شکل می‌دهد. می‌توان فرض کرد که آن جوامع محلی که بیشترین سرمایه‌گذاری را در مدارس ابتدایی می‌کنند بالاترین ارزش افزوده را در دهه‌های پیش رو بدست خواهند آورد، بشرطی که این جوامع بتوانند جوانان تحصیل‌کرده را پس از اتمام تحصیلات، در جامعه خود حفظ کنند.

در عصر توسعه اقتصادی دانش‌بنیان، شرایط توسعه محلی یا منطقه‌ای به واسطه نهادهای تحقیق و توسعه (R&D) تعیین می‌شود: مدارس عالی، مؤسسات پژوهشی و نهادهای پشتیبانی که به مثابه واسطه‌ها فعالیت کرده و نتایج و دستاوردهای پژوهشی را به اقتصاد منتقل می‌کنند. از پنج عامل مهم تعیین کننده توسعه منطقه‌ای شامل کارآفرینی فردی، نوآوری شرکت‌ها، آموزش شهروندان، پژوهش‌های علمی و انتقال دانش و فناوری، عامل چهارم عمدتاً به کیفیت مدارس عالی و نهادهای پژوهشی مستقر در آن شهر و منطقه، وابسته است. ابزارهای مالی نیز مورد نیاز هستند، اما نقش این ابزارها ثانویه است، آنها زمانی مورد نیازند که نتایج و دستاوردهای پژوهش علمی یا نوآوری خاص، نمایان شده و بایستی با عملیاتی کردن نتیجه پژوهش یا نوآوری، ارزش افزوده کسب شود. حوزه آموزش عالی و پژوهش علمی می‌تواند تحت نفوذ مقامات و نهادهای محلی

چنانچه نهادهای مالی و حمایتی به شیوه انعطاف‌پذیر و بسیار پاسخگو عمل کنند، دارای سهم حیاتی در توسعه محلی و منطقه‌ای خواهند بود. در نخستین سال حضور لهستان در اتحادیه اروپایی، شاهد بوروکراسی مصیبت‌بار و زمان طولانی تصمیم‌گیری در نهادهای مجری برنامه‌های اتحادیه اروپا هستیم. بخش زیادی از رویه‌های بوروکراتیک از سوی اتحادیه اروپا تحمیل نمی‌شوند، بلکه این رویه‌ها توسط مقامات ملی که در تلاش هستند از خودشان در مقابل پاسخگویی برای تصمیمات غلط، محافظت نمایند ایجاد می‌شود.

به ادعای پاولوسکی، مناطق کشور لهستان هنوز در مرحله مقدماتی فعال‌سازی برنامه‌های توسعه بلندمدت هستند. این کشور به تازگی نخستین مرحله از توسعه اقتصادی را (از سال ۱۹۸۹) کامل کرده است که در آن، حذف قواعد محدودکننده کارآفرینی فردی بیشتر از حد انتظار و پیش بینی بوده است. اما این مرحله که در آن عرصه‌های بازار آزاد زیادی برای سازماندهی شرکت‌ها یا نهادها برای موفقیت فوق‌العاده وجود داشت در حال پایان است. در حال ورود به مرحله جدیدی هستیم که رقابت در بازارهای محلی بسیار شدید است و شرکت‌ها و نهادهای خواهان توسعه، نه تنها برای منافع خود، بلکه برای منافع کل جامعه محلی و منطقه‌ای، نیازمند پشتیبانی و حمایت خارجی هستند.

نظام آموزشی، عامل دیگری است که بر توسعه شهر یا منطقه و ظرفیت‌های رقابتی آن ذی‌نفوذ بوده و در آینده اهمیت آن افزون خواهد شد. بدیهی است منظور از نظام آموزشی، کلیه نهادهای آموزشی کشور شامل آموزش و پرورش، آموزش عالی و

یک دانشگاه خصوصی برای بقا و توسعه نیازمند اثبات مداوم سودمندی خود برای دانشجویان، محیط، شرکا و بازار است. فقدان امنیت مالی در بلندمدت مسئولان دانشگاه را مجبور می کند تا دست به فعالیتهای کارآفرینی بزنند، خود را مرتبا با نیازهای محیط تنظیم نمایند، و فرهنگ شرکتی مبتنی بر یادگیری و گشوده به تغییر را معرفی کنند. عواملی که واکنش سریع دانشگاه های خصوصی را بر می انگیزد شامل عدم قطعیت در مورد بقای خود، فقدان منابع مالی امن و با ثبات، ضرورت رقابت برای جذب دانشجویان و ضرورت یافتن و موقعیتهای پژوهشی و موضوعات پژوهشی جذاب برای محیط اقتصادی است. البته، دانشگاه کارآفرین یک شرکت تجاری و کسبوکار نیست و قواعد اثربخش حاکم بر فعالیت تجاری اساسا نبایستی به نهادهای آموزش عالی منتقل شود. ارزیابی کار تیمی یا هر یک از دانشگاهیان باید به بیش از یک دوره زمانی گسترش یابد. هرچند اثربخشی اقدامات دانشگاهها و دانشگاهیان نمی تواند به روش ساده، اندازه گیری شود، اما در زمان رقابت چندوجهی در بازارها که شرکای دانشگاهها در آن فضا فعالیت می کنند، اساسا نمی توان راه حل ها و راهکارهای مناسب بیست یا صد سال پیش را اتخاذ کرد.

ایده دانشگاه کارآفرین، تلاشی برای توسعه یک الگوی نو از دانشگاه، متناسب با زمان کنونی است. بی تردید، از منظر توسعه محلی و منطقه ای، شهر یا منطقه بیشتر نیازمند دانشگاههای کارآفرینی است که نیازها و مصالح محلی را درک کرده و با شتاب اقدام کند و نه دانشگاههای دولتی که وجود آنها با بودجه

باشد. این نفوذ و تأثیرگذاری، نه به شکل مستقیم و از طریق مدیریت نمایشی بلکه به واسطه تحریک، امیدبخشی، انگیزش و نهایتا از طریق پشتیبانی و حمایت مالی شفاف، سریع، منعطف از ابتکارات عینی، محقق می شود.

«دانشگاه های خصوصی» نسل چهارم

به عنوان نمونه، با مرور اقدامات وزارت علوم و آموزش عالی لهستان پاولوسکی نتیجه گیری کرده است که انحلال تدریجی برخی از مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی، به دلیل کاهش شمار متقاضیان ورود به آموزش عالی است. تعداد بسیار زیادی از این نوع مؤسسات آموزش عالی وجود دارند که بسیاری از آنها برای بقا در بازار رقابتی موجود، فوق العاده کوچک یا خیلی ضعیف هستند. تعدادی از این مؤسسات آموزش عالی تعاونی های «استادان» خاص ایجاد کرده اند [۱۷] و با کاهش شمار متقاضیان ورود به آموزش عالی لاجرم از بین خواهند رفت، اما حداقل ۳۰ مؤسسه آموزش عالی از بین آنها مطابق با راهبرد بلندمدت ایجاد شده و اقدام می کنند و نتایج بهتری از فعالیتهای خود بدست می آورند. این ۳۰ دانشگاه به طور حرفه ای اداره شده و برخی از آنها همانند یک دانشگاه کارآفرین نمونه فعالیت خود را آغاز کرده اند. به طور غیر منتظره، فقدان حمایت مالی از سوی دولت می تواند این مؤسسات را به شروع برخی فعالیتهای نوآورانه ای که دانشگاه های دولتی «کند و بی حال» نمی تواند از عهده آن برآیند، سوق دهد.

«دانشگاه‌های نسل چهارم» بکار برده شده و در بیانیه رسالت و مأموریت دانشگاهها، «خلق» محیط پیرامون به عنوان یک وظیفه دانشگاه نسل چهارم تجلی می‌یابد. دانشگاه‌های نسل دوم و سوم نیز محیط پیرامون خود را می‌سازند، اما در دانشگاه‌های نسل چهارم، هدف اصلی دانشگاه، نفوذ بر تغییرات محیط پیرامون و حتی تحول فراگیر دانشگاه در هماهنگی با نیازهای اقتصاد دانش‌بنیان، می‌باشد.

نمونه دانشگاه خصوصی WSB- NLU (حاصل سرمایه‌گذاری مشترک دانشگاه ملی لوئیز و ویسزا اسکولا بیزنیسوا^۱) واقع در شهر «نووی ساکز»، می‌تواند به عنوان نمونه‌ای از دانشگاه کارآفرین تعریف شود که تغییر وضعیت از دانشگاه کارآفرین به دانشگاه نسل چهارم را از سال گذشته (۲۰۰۸) آغاز کرده است. «نووی ساکز» یک شهر کوچک با حدود ۸۰ هزار نفر جمعیت است که با دو جامعه همجوار شهری به عنوان شهرکهای خوابگاهی، جمعیت ۱۲۰ هزار نفری را سامان می‌دهد. شهر «نووی ساکز» دارای سنن غنی کارآفرینی است: در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ شماری شرکت نظیر کنسپول، اوپتیماس، فکرو، کورال و ویزنیوسکی که اکنون در سراسر لهستان شناخته شده‌اند، راه اندازی شده است. همچنین، تعدادی شرکت کوچک و متوسط پویا و مبتنی بر نوآوری در شهر «نووی ساکز» وجود دارند.

دانشگاه خصوصی WSB- NLU یکی از نخستین نهادهای آموزش عالی خصوصی بود که در ابتدای دوره تحول سیاسی و اقتصادی در لهستان تأسیس شده است. این دانشگاه خصوصی

و اعتبارات دولتی تضمین شده است. نویسنده این مقاله معتقد است مناطق کمتر توسعه‌یافته‌ای به طور خاص راهبرد رشد سریع را در پیش گرفته و با بهترین‌ها رقابت می‌کنند نمی‌توانند به اهداف خود نایل شوند مگر آن که دانشگاه‌های کارآفرینی در آن مناطق فعال باشند. بدیهی است که راهبرد توسعه منطقه‌ای سریع نباید مبتنی بر سرمایه‌های شرکت‌های بین‌المللی یا متکی به فرصت همکاری با دانشگاه‌ها در سراسر جهان باشد. یک مرکز عملیاتی دائمی توسعه محلی و منطقه‌ای باید تنها به وسیله دانشگاه‌های فعال در منطقه مورد نظر ایجاد شود و به طور ارگانیک با شهر یا منطقه محل فعالیت خود در ارتباط تنگاتنگ باشند. اینها دانشگاه‌هایی هستند که مدیریت و منابع انسانی آنها از صمیم قلب در موضوع توسعه شهر یا منطقه محل زندگی مشارکت می‌کنند، به ویژه در اروپایی که تحرک جامعه علمی بسیار ناچیز است.

نقش «دانشگاه های نسل چهارم» در توسعه محلی و منطقه ای: مرور و ارائه یک تجربه عینی

در مفهوم سنتی، دانشگاه نسل چهارم به معنای دانشگاهی است که ارتباطات پویای وسیعی با محیط اقتصادی و اجتماعی خود دارد، اما هدف این ارتباطات وسیع، توسعه درونی خود دانشگاه است. می‌توان آن را الگوی پیشرفته‌تری از یک دانشگاه جوان تصور کرد که به منظور شتاب دادن به رشد خود، سعی می‌کند محیط پیرامون خود را از طریق «ابتکارات بیرونی» تغییر دهد و همکاری با محیط تغییر یافته به طور اساسی خود دانشگاه را متحول می‌کند. برای تمایز این الگو، در این مقاله مفهوم

¹. Wyższa Szkoła Biznesu (WSB) - National-Louis University (NLU)

دانشگاه خصوصی WSB- NLU تا سال ۲۰۰۰ به طور کامل بر آموزش دانشجویان متمرکز بوده است. از سال ۲۰۰۱ این دانشگاه محتاطانه پژوهشهای علمی را گسترش داده است. محتاطانه به دلیل اینکه در لهستان موقعیتهای پژوهشی خاصی جستجو می‌شود، عمدتاً حوزه های پژوهشی یا رشته های پژوهشی جدید به طور کامل گسترش پیدا نکرده اند و به دلیل اینکه منابع مالی محدودی به این نوع پژوهشها تخصیص داده می‌شود. آثار این پژوهشها فراتر از انتظار بود و در سال ۲۰۰۶ «پژوهشکده مدیریت» دانشگاه WSB- NLU، توانست جایگاه دوم پژوهشی را از شورای علوم وزارت علوم و آموزش عالی کسب کند که تنها دو دانشگاه غیر دولتی توانسته بودند چنین جایگاه مهمی را تصاحب کنند. از همان ابتدا این دانشگاه روابط عمیقی با محیط پیرامون شامل کسب و کار و محلی داشته است، اما فعالیت‌های بیرونی (آموزش، پژوهش و نوآوری‌های پداگوژیک این دانشگاه) پس از الحاق لهستان به شورای اروپا در سال ۲۰۰۴ رونق گرفته است. در سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ «پژوهشکده مدیریت پیشرفته»، یک واحد سازمانی تخصصی دانشگاه WSB- NLU، آموزش و مهارت‌آموزی افراد شاغل نظیر برنامه های MBA و تحصیلات پس از دانش‌آموختگی، را بر عهده گرفته و اقداماتی برای پذیرش و جلب منابع مالی از محل برنامه‌های تأمین مالی شده از سوی بودجه های (صندوق) اروپایی طراحی و اجرا کرده است. این دانشگاه در سال ۲۰۰۶ چهار پروژه معظم آموزشی و پژوهشی به ارزش بالغ بر ده میلیون زلوتی (این رقم، معادل بیش از نصف مبلغ شهریه سالانه دانشجویان این دانشگاه

در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۱ بدون حمایت مالی و سازمانی دولت بنا شده است. تأسیس این دانشگاه یک ابتکار خصوصی به عنوان تلاشی برای ایجاد یک نهاد آموزش عالی نخبه‌گرا در شهر «نوی ساکز»، بوده است. مبتکر و مؤسسان این دانشگاه، راهکارهای سنتی منتج از دانشگاه‌های دولتی لهستان را برای این نهاد تازه‌تأسیس بکار نبردند و آن را مبتنی بر برنامه‌ها و فرهنگ شرکتی شریک امریکایی بنا کردند. آنها همچنین به دلیل عدم تأمین مالی بایستی نظام مدیریتی ویژه‌ای را در اداره این دانشگاه بکار می‌بستند. عوامل عمده عامل تهدید در دوره اولیه فعالیت نظیر فقدان منابع مال، کمبود منابع انسانی متعلق به دانشگاه، نبود تجربه دانشگاهی مؤسسان، به شکل غیر منتظره‌ای به منبع موفقیت این دانشگاه تبدیل شد. مؤسسان هیچ انتخابی به غیر از نوآوری نداشتند. موفقیت آنها به قدری بود که ظرف پنج سال به عنوان بهترین دانشگاه خصوصی لهستان شناخته شد و در سال ۲۰۰۲ سرمایه‌گذاری در ایجاد زیرساخت مدرنی به ارزش پنجاه میلیون زلوتی^۱ (PLN) را تکمیل کرد، در حالی که از این میزان سرمایه‌گذاری صرفاً سه میلیون زلوتی از محل حمایت دولت بوده است. دانشگاه خصوصی WSB- NLU هیچگاه تمایلی برای بزرگ‌مقیاسی نداشته است و در حال حاضر (۲۰۰۹) این دانشگاه کمتر از دو هزار دانشجوی عادی و دو هزار دانشجوی برنامه‌های پایان هفته دارد و شمار دانشجویان عادی فقط می‌تواند تا سقف سه هزار نفر افزایش پیدا کند.

۱. زلوتی (PLN) واحد پول لهستان.

دنبال راه‌حل‌های جدید بجای تقلید از موارد موجود باشند. با استقبال از آموزش منابع انسانی شبکه نوری ساکز در دانشگاه WSB-NLU و به دلیل دسترسی به آخرین فناوری‌ها و زیرساخت‌های مورد نیاز برای توسعه، شبکه نووی ساکز به همراه شرکا، فناوری‌ها و راه‌حلهای جدیدی را معرفی و در انتقال دانش فناوری‌های برتر مشارکت خواهد کرد. علی‌رغم این واقعیت که این ابتکار جدید در کمتر از یک سال پیش آغاز شده است، در حال حاضر گروهی از اعضا، کارکنان و داوطلبان (عمدتا دانش‌آموختگان دانشگاه) به طور همزمان هم در شبکه نووی ساکز و هم در پروژه بزرگتری به نام «شهر چندرسانه‌ای» نووی ساکز فعالیت می‌کنند. وضعیت فعلی این دو پروژه در بخش بعدی شرح داده شده است.

نقش دانشگاه نسل چهارم در توسعه محلی و منطقه ای:

معرفی یک پروژه دانش بنیان

در این بخش، نقش یک دانشگاه نسل چهارمی در تعریف و اجرای یک پروژه توسعه محلی به نام «شبکه نوآوری و انتقال دانش نووی ساکز» معرفی شده است. در فاز نخست پروژه، شبکه نوآوری و انتقال دانش «نووی ساکز» در فعالیتهای برخی گروه‌ها نظیر دانشجویان و دانشگاہیان و همچنین کارشناسان شرکتهای همکار نظیر اوپتیموس، نوویتوس و تی‌ولف، مشارکت خواهد کرد. در فاز مقدماتی پروژه، یک برنامه زمان‌بندی برای ۱۸ ماه پیش بینی شده است، دو پودمان (ماژول) برای راه‌اندازی شبکه ایجاد می‌شود. همزمان با این فاز، همکاری و جریان آزاد اطلاعات و دانش تعریف شده است. به‌علاوه، روش‌های اثربخش

(است) و همچنین نه پروژه بین‌المللی را اجرا کرد. اداره چنین پروژه‌هایی بسیار سخت و بوروکراتیک است، اما حضور در بازار آموزشهای مهارتی، به ویژه بازار آموزش مداوم، بدون مشارکت فعال در برنامه‌های تأمین مالی شده از سوی بودجه های (صندوق) اروپایی امکان‌پذیر نمی باشد. چرا که، تمامی شرکتهای نهادها مخاطب این این بودجه‌ها هستند و عمیقاً موقعیت بازار آموزشهای مهارتی را تغییر می‌دهد. مشارکت، به ویژه در طرحها و برنامه‌های بزرگ، به نهادهای آموزش عالی اجازه می‌دهد تا کارکنان حرفه‌ای مدیریت پروژه های خود را آموزش داده و تقاضاهای (طرحهای پیشنهادی) جدیدی را آماده کنند. قلمرو فعالیت واحدهای سازمانی تخصصی در دو سال گذشته بسیار گسترش یافته است، به طوری که تعداد افراد درگیر در اداره پروژه‌ها علاوه بر سه دانشجوی داوطلب، از سه نفر به دوازده نفر افزایش یافته است.

دانشگاه غیر دولتی WSB-NLU در سال ۲۰۰۶ فعالیت‌هایی در جهت ایجاد محیط اجتماعی و اقتصادی برای خود آغاز کرد. به عنوان نتیجه ابتکار شرکت اپتیموس و حمایت مالی از «عملیات ۲,۶ برنامه یکپارچه توسعه منطقه‌ای^۱»، «شبکه نوآوری و انتقال دانش نووی ساکز^۲» در نیمه نخست ۲۰۰۶ به عنوان یک واحد سازمانی مجزا از دانشگاه خصوصی WSB-NLU ایجاد شد. ایده اصلی این ابتکار جدید، خلق یک نهادی بود که به طور مبنایی سازوکارهای یادگیری و سازمان نوآور در آن یکپارچه شده و واحدهای سازمانی آن جلوتر از زمانه عمل کرده و به

¹. Operation 2.6 of the Integrated Program of Regional Development (ZPORR)

². NowySacz Network of Innovation and Knowledge Transfer

منطقه، فرصت‌ها و نیازهای شرکت‌های فعال در بازار محلی و سایر نهادهای همکار شبکه نوآوری نووی ساکز را گردآوری خواهد کرد. نتایج فعالیت‌های این مرکز، راه‌حلی هستند که می‌توانند در بازار محلی و فعالیت‌های مشاوره‌ای نوآورانه به عنوان محصولات و راه‌حلهای آماده، بکار گرفته شوند. «مرکز پادمان فناورانه و مشاوره نوآورانه» دارای یک بخش همپوشی است که ایجاد یک شبکه ساده و ارتباط متقابل برای انتقال دانش بین این دو واحد (پادمان فناورانه و مرکز مشاوره نوآورانه) را فراهم می‌کند.

نقش دانشگاه نسل چهارم در توسعه محلی و منطقه ای:

معرفی پروژه ایجاد یک شهر چندرسانه‌ای

در این بخش، نقش دانشگاه نسل چهارم در ایجاد یک شهر چندرسانه ای که فرصتی اساسی برای توسعه شهری و محلی است، معرفی شده است. به گفته پاولوسکی، ایده ایجاد^۳ یک «شهر چندرسانه‌ای^۴» در نووی ساکز در نشست طوفان فکری تعدادی از دانش‌آموختگان برجسته، در کنفرانس انجمن دانش‌آموختگان در پایان سال ۲۰۰۶ پایه‌ریزی شد. این ایده به قدری دلربا بود که فوراً توسط رئیس و گروهی از همکاران نزدیک وی اخذ شد. ظرف دو ماه پایه‌های پروژه شهر چندرسانه‌ای ایجاد شد و در اوایل سپتامبر، نخستین نشست

استخراج و صورت‌بندی دانش کسب‌شده و روش‌های انتقال مؤثر این دانش به سایر گروه‌های مشارکت‌کننده در پروژه و گروه‌های بیرونی، توسعه داده می‌شود. «مرکز مشاوره نوآورانه و پادمان فناورانه^۱»، به عنوان یکی از اجزای مرکزی «شبکه نوآوری و انتقال دانش نووی ساکز» تأسیس خواهد شد.

«پادمان فناورانه»، کارشناسان فناوری‌های برتر، دانشجویان فناوری اطلاعات، نمایندگان علمی و کارکنان آموزشی دانشگاه WSB-NLU و شرکای فناورانه را گرد هم خواهد آورد. این پادمان، دانش فناوری‌های نو در بازار، راه‌حلهای نوآورانه کسب‌وکار و دانش فنی فناورانه و مرتبط با کسب‌وکار را تجزیه و تحلیل و جمع‌آوری خواهد کرد. دستاوردهای حاصله نظیر راه‌حلهای مرتبط با کسب‌وکار، آماده برای استفاده بوده و محصولات نوآورانه توسعه داده شده در درون شبکه، به بازار پیشکش می‌شود. این پادمان، دانش کسب‌شده از فناوری‌ها و راه‌حلهای مربوط به کسب‌وکار را مستقیماً به «مرکز مشاوره نوآورانه» منتقل می‌کند. این مرکز، این راه‌حلهای مستقیم در موضوعات مرتبط با خدمات خود، بکار خواهد گرفت.

«مرکز مشاوره نوآورانه» همچنین نیازهای شرکت‌ها، سازمان‌ها و واحدهای خودحکمران^۲ در منطقه را بر پایه بازدیدها و مشاهدات مستقیم فرایندهای واقعی، شناسایی خواهد کرد. راه‌حلهای توسعه داده شده در «مرکز مشاوره نوآورانه» در قالب‌های خدمات مشاوره‌ای و پشتیبانی از کاربست تغییرات نوآورانه، به موضوعات خارج از منطقه منتقل خواهد شد. این مرکز، اطلاعات بازار

³. Post Script: On 27 February 2007 the Government of Poland put the project of the Multimedia City on the indicative list of projects essential for the development of Poland and assigned J30 million for the realization of the first stage of the construction of the city.

⁴. Multimedia City

¹. Technological Observatory and Innovative Consulting Center

². self-government units

شرکت‌های ایجادکننده شهر چندرسانه‌ای در ورشو برگزار شد.^۱ مقامات و مسئولان محلی شهر نووی ساکز فعالانه در این پروژه مشارکت کردند. این پروژه شامل هم‌افزایی قابل دستیابی از طریق اتصال چندین سازوکار و راه‌حل‌های نهادی پشتیبان توسعه سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر فوق‌العاده نوآورانه در اقتصاد لهستان است. در یک مکان و درون یک نظام سازمانی، چندین واحد نظیر یک مرکز علم و فناوری، یک مرکز تحقیق و توسعه، یک مرکز رشد کارآفرینی، یک خوشه چندرسانه‌ای، یک صندوق سرمایه‌گذاری و نظام آموزشی، عمل خواهند کرد. تمامی این عناصر در سمت‌وسوی یگانه توسعه چندرسانه‌ای متعهد شده و بر پایه منافع جمعی متقابل منتج از انتقال دانش، ایده‌ها، روابط تنگاتنگ سرمایه و پروژه‌های مشترک، فعالیت می‌کنند. تمرکز بر شایستگی و پایگاه فناورانه، تولید فیلم، گرافیک، صدا را در پیوند با توسعه معماری اطلاعات، توسعه برنامه‌های کاربردی و انتقال داده‌ها و خلق راهکارها و راه‌حل‌های اثربخش و محصولات و خدمات نوآورانه قابل ارائه در سراسر جهان را امکان‌پذیر خواهد کرد. به‌عنوان مثال، شهر چندرسانه‌ای، خدمات پروژه مدیریت کارآفرینان، شریک‌یابی، آماده‌سازی تحلیل‌های مرتبط با پتنت و دارایی فکری و پیدا کردن تأمین مالی خارجی برای پروژه‌های نوآورانه را ارائه می‌کند.

شهر چندرسانه‌ای نووی ساکز سالانه مستقیماً از حدود ۲۵۰ شرکت از طریق ارائه مشاوره پشتیبانی خواهد کرد و آموزش‌های مهارتی پروژه‌های پژوهشی آن بیش از ۱۰۰۰ شرکت را پوشش خواهد داد. همچنین، توسعه زیرساخت موجود و ساخت ادارات،

آزمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها، استودیوها، سالنهای کنفرانس و کاخانات تولیدی از مفروضات شهر چندرسانه‌ای است. کل پایگاه پروژه، مورد استفاده شرکتها، مرکز تحقیق و توسعه، مرکز رشد و موضوعات مرتبط با خوشه شهر چندرسانه‌ای قرار خواهد گرفت. همچنین، در این پروژه تجهیز پایگاه موجود و تدارک تجهیزات ضروری برای ایجاد مشاغل جدید، یک امر مسلمی است. این پروژه همچنین شامل فعالیتهای تسهیل تأمین مالی، نظارت عالی و آموزشی است. این پروژه به‌طور کامل از نظر مالی در سال ۲۰۱۴ خودکفا می‌شود.^۲

کل هزینه پروژه شهر چندرسانه‌ای نووی ساکز بین سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۳ در حدود ۱۲۶ میلیون یورو بوده برآورده شده است که در لهستان «سرمایه‌گذاری خطرپذیر پیشگام» محسوب می‌شود. همه این فعالیتهای تلاش برای خلق یک محیط اجتماعی و اقتصادی کاملاً جدید برای دانشگاه خصوصی WSB-NLU و تغییر کارکرد پایه‌ای کل شهر نووی ساکز و خلق یک «شهر دانش»^۳ راستین و تحریک و تهییج توسعه شهر نووی ساکز و شتاب در دستیابی به توسعه دانشگاه WSB-NLU و تحول آن به یک دانشگاه دانش کارآفرین واقعی و دانشگاه نسل چهارم است. پروژه شهر چندرسانه‌ای علاوه بر کارکرد توسعه دانشگاه WSB-NLU واجد کارکرد حیاتی شهرسازی و تلاشی برای خلق یک مزیت رقابتی برای اقتصاد لهستان در شرایط رقابت جهانی است. در حال حاضر، این پروژه توسط دانشگاه WSB-NLU رهبری و اداره می‌شود، اما در چند ماه آینده با مشارکت

^۲. A detailed description of the project can be found at <www.multiklaster.pl>

^۳. City of Knowledge

^۱. www.multiklaster.pl فهرست شرکت‌ها در این وبگاه در دسترس است

مفهومی را تداعی نمی کند. مردم هند از دانشگاه تاکسیلا و دانشگاه ویکراما سیلا اثری نمی بینند. اثری از دانشگاه بیت الحکمه بغداد در زمان مأمون عباسی، نیست. همچنین، در دنیای معاصر برای دانشگاههای اروپایی که به الگوی همبولت متکی هستند روند جدایی آموزش و پژوهش به منزله پایان حیات این دانشگاهها است. نیاز به شفافیت، رقابت روزافزون و ارتقای کیفیت، تهدیدهای جدی برای الگوی دانشگاه جامع است. دانشگاههای الگوی بولونیا که به سبب فشار مالی مجبور هستند به پژوهشهای سفارشی متوسل شوند، به نوعی پایان حیات خود را، البته از نوع ماهیتی، تجربه می کنند.

امروزه، برخی دانشگاههای معتبر جهان وادار شده اند از نظامهای مدیریتی سازمانی استفاده کنند. این موضوع دانشگاهها را از حالت مکانهای سنتی خودمختار خارج و تا حدودی به بنگاههای کسب و کار تبدیل کرده است. اکنون اعتقاد مبنی بر دانش ذاتاً با ارزش و قابل تحقق در برج عاج آکادمی رنگ باخته است. به تعبیری، انزوای با شکوه نظام دانشگاهی رو به پایان بوده و ایده مقدس انگاری و تغییر ناپذیری دانشگاه در حال تضعیف است. دانشگاههای غرب همانند بنگاههای تجاری برای جذب دانشجو، استاد و اعتبارات با هم رقابت می کنند و دانشگاهها و دانشکده ها چهره مدیریتی تری نسبت به گذشته، به خود می گیرند. در واقع، تیلوریسم آکادمیک در مدیریت دانشگاه و رواج نوعی رفتار سازمانی در حال گسترش است. بر اساس شواهد مذکور، امکان نابودی و اضمحلال شکلی، فیزیکی، کارکردی یا ماهیتی دانشگاهها وجود دارد. امروز این اضمحلال در ماهیت برخی از

دانشگاه، شهر نووی ساکز و شرکای راهبردی، سرمایه گذاری خطرپذیر مشترک ویژه ای ایجاد خواهد شد تا طرح بنای شهر چندرسانه ای را به اتمام برسانند. اخیراً متقاضیانی برای برنامه های عملیاتی مختلف پروژه شهر چندرسانه ای اعلام آمادگی کرده اند و مبانی قانونی- حقوقی و سازمانی فعالیتها در حال آماده سازی هستند. یکی از مفروضات اساسی شهر چندرسانه ای، مجموعه ای از فعالیتهاست که به طور کامل تجاری بوده و بعد از دوره تأمین مالی اتحادیه اروپایی، فعالیت شهر چندرسانه ای بایستی از عایدی مکفی برای پوشش هزینه ها و سوآوری برخوردار باشد. بر اساس دانش نویسنده این مقاله، پروژه شهر چندرسانه ای نووی ساکز تنها توسط یک دانشگاه لهستانی با فرض یک عملیات کاملاً تجاری شده و تأمین مالی خوداتکا آماده شده است.

نتیجه گیری

پیتر دراکر، استاد برجسته مدیریت، در ۱۹۹۷ ادعا کرد که «تا سی سال آینده، دانشگاههای بزرگ فقط بنای یادبود خواهند بود» [۱۸]. با تأمل بر تاریخ و اسامی دانشگاههای معتبر دنیا می توان دید که از دانشگاههای مطرح جهان در دو هزار سال گذشته تا زمان شکل گیری دانشگاههای مدرن در قرن ۱۲ میلادی، حتی بنای یادبود هم نمانده است. این امر مبین امکان تغییرات وسیع دانشگاهها تا حد اضمحلال و نابودی است. برای مردم ایران اثری از دانشگاه بین المللی گندی شاپور عصر ساسانی نمانده است. برای مردم مصر دانشگاه موزیوم اسکندریه

آن به یکی از توسعه‌یافته‌ترین مناطق اتحادیه اروپا را پیش‌بینی و پیشگویی کرد. اما در حال حاضر می‌توان نتیجه‌گیری کرد که پروژه شهر چندرسانه‌ای نووی ساگز کاملاً اندیشه مقامات و مسئولان شهر نووی ساگز را راجع به آینده این شهر دگرگون کرده است، به طور قابل ملاحظه‌ای راهبرد توسعه دانشگاه WSB-NLU را تغییر داده و آن را پویاتر کرده است. پروژه شهر چندرسانه‌ای و چندین ابتکار دیگر که در پیوند با این پروژه آغاز شد نشان می‌دهد که برقراری روابط بین دانش‌آموختگان و دانشگاه در ده سال گذشته شامل تلاش فوق‌العاده و تخصیص منابع مالی قابل توجه، تا چه میزان حائز اهمیت بوده است. برکات این اقدامات بیش از حد انتظار بوده و جامعه دانش‌آموختگان را به یکی از مهمترین شرکا و ذی‌نفعان نهاد آموزش عالی تبدیل کرده و شدیداً بر فعالیت دانشگاه WSB-NLU و به طور غیر مستقیم بر شهر نووی ساگز نفوذ داشته است.

پروژه شهر چندرسانه‌ای نووی ساگز یک سرمایه‌گذاری بسیار دشوار و همراه با مخاطره است. ابتکار بازتعریف راهبرد دانشگاه WSB-NLU توسط بنیان‌گذار دانشگاه و گروهی از دانش‌آموختگان نیز خطرناک و مخاطره‌آمیز است. در زمان رقابت فزاینده و فرایندهای جهانی‌شدن، به‌ویژه در حوزه علم و آموزش عالی، یک دانشگاه خصوصی جوان از ثبات پشتیبانی مالی بودجه دولتی اجتناب کرد، بخاطر بقا، توسعه و رقابت با بهترین دانشگاه‌ها بایستی اقدامات جدید و غیر سنتی در مسابقه پیش‌رو با دیگران اتخاذ کرد، الگوهای جدیدی توسعه داد و محصولات جدید و تقاضا برای این محصولات خلق کرد. ارزشیابی واقعی

دانشگاهها و برخی کارکردهای دانشگاهی کاملاً مشهود است. تاریخ دانشگاههای مدرن (دانشگاههایی که تاریخ پیدایش آنها کمتر از هزار سال بوده و اکثر آنها متعلق به قرن بیستم هستند) دارای منشأ معینی هستند. بطور عمومی ریشه و منشأ دانشگاههای غربی در دانشگاه بولونیا^۱ و تحرک پژوهشی دانشگاههای امریکای شمالی ریشه در الگوی همبولت^۲ بوده و در اکثر کشورهای کمتر توسعه یافته، سنت دانشگاهی ریشه در استعمار دارد. در کشورهای کمتر توسعه یافته غیر مستعمره نظیر ایران، نظام دانشگاهی تقلیدی از دانشگاههای غربی است [۲]. دانشگاه مدرن (غرب) از پشتوانه تاریخی برخوردار است. دانشگاهها در صورتی می‌توانند نقش تاریخی خود را در آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی حفظ کنند که خود را با تغییرات سایر بخشهای جامعه انطباق دهند [۱۹] و نقش آفرینی در توسعه محلی و منطقه‌ای که در رسالت دانشگاههای نسل چهارم تجلی یافته است، یکی از شواهد، مؤلفه‌ها و معیارهای این انطباق است.

در این مقاله، مختصات دانشگاه نسل چهارم با تمرکز بر دانشگاه خصوصی WSB-NLU که حاصل سرمایه‌گذاری مشترک دانشگاه ملی لوئیز و ویسزا اسکولا بیزنیسو می‌باشد، مرور شده است. به باور پاولوسکی، تخمین و برآورد آثار ایجاد و فعال‌سازی شهر چندرسانه‌ای نووی ساگز توسط دانشگاه WSB-NLU تقریباً غیر ممکن است. می‌توان صدها یا شاید هزاران شغل ایجاد شده توسط این پروژه یا تبدیل شدن دانشگاه خصوصی WSB-NLU به یک برند جهانی یا تحول منطقه نووی ساگز و تبدیل

^۱ . Bologna

^۲ .Humboldt

منابع

۱. یمنی دوزی سرخابی (۱۳۸۰)، درآمدی بر بررسی عملکرد سیستمهای دانشگاهی، تهران، نشر دانشگاه شهید بهشتی.
۲. یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۲)، برنامه ریزی توسعه دانشگاهی: نظریه ها و تجربه ها، دانشگاه شهید بهشتی.
3. WOJCICKA, M., Uniwersytet i jego otoczenie dwa sposoby podejs'cia i ich moz'liwe konsekwencje [University and its Environment – Two Approaches and Their Potential Consequences], in, LEJA, K. ed. Problemy zarz'adzania w uczelni opartej na wiedzy [Management Issues in the Knowledge-based University]. Gdan'sk: University of Technology Faculty of Management and Economics, Department of Knowledge and Information Management, 2006.
4. CLARK, B.R. Creating Entrepreneurial Universities: Organisational Pathways of Transformation. Oxford and New York: Published for the IAU Press by Pergamon Press, 1998.
5. CROZIER, M. Biurokracja. Anatomia zjawiska [Bureaucracy. The Anatomy of the Phenomenon]. Warsaw: PWE, 1967.
۶. مهدی، رضا (۱۳۹۳)، رویکرد جامع به دانشگاه کارآفرین، طرح پژوهشی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
7. Fayolle A., O. Basso & Bouchard V. (2010), Three levels of culture and firms' entrepreneurial orientation: A research agenda, *Entrepreneurship and Regional Development*, 22(7): 707–730.
8. UNESCO, Higher Education In the Twenty-first Century: Vision and Action. World Conference on Higher Education, Volume 1, Final Report, Paris, 1998.
- اثر بخشی دانشگاه خصوصی WSB-NLU به عنوان یک «دانشگاه نسل چهارم» تنها پس از بیست یا سی سال می تواند انجام شود. سپس، ارزیابی و تقریب مجموع آثار این پروژه بر توسعه شهر نووی ساکز و دانشگاه امکان پذیر می شود. به عنوان مثال، این ارزیابی می تواند با مقایسه وضعیت این شهر و دانشگاه با یک شهر و دانشگاهی که چنین اقداماتی بخاطر عدم وجود دانشگاه کارآفرین و خلاق، انجام شود.
- بر اساس محتوای این مقاله که در آن بر مطالعه موردی دانشگاه خصوصی WSB- NLU که محصول سرمایه گذاری مشترک دانشگاه ملی لوئیز و ویسزا اسکولا بیزنیسو می باشد، الگوی جدیدی از نهادهای آموزش عالی به نام «دانشگاههای نسل چهارم» در حال تولد هستند که رسالت و مأموریت کلیدی آنها کمک به خلق فرصت و ظرفیت برای توسعه محلی و منطقه ای است. در این پارادایم، بناست که در ذیل اقتصاد و جامعه دانش بنیان، دانشگاهها در تحول و توسعه محیط پیرامون اعم از صنعت، تجارت، خدمات، توسعه شهری، توسعه شهروندی فناورانه و نظایر اینها به صورت فعال و کنشگرانه ایفای نقش کنند. پای این گونه دانشگاهها به هر جا برسد می توان انتظار داشت که آن محل آبادتر از گذشته بوده و نسبت به جاهای دیگر، توسعه یافته تر و پیشروتر باشد. از دانشگاههای ایران نیز می توان و باید انتظار و توقع داشت که بنای دانشگاههای نسل چهارم را با هدف تحول و توسعه درونی و محیطی، پی ریزی کنند و فرصتهای پیشتازی خود و ملت را از دست ندهند.

آذربایجان)، گزارش نهایی طرح پژوهشی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

17. PAWŁOWSKI, K. Rediscovering Higher Education in Europe. Bucharest: CEPES Studies on Higher Education, 2004a.

18. Hirsch, W. Z. & Weber, L. (1999), Challenges facing H.E. at the millennium, USA, Oryx.

۱۹. یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۸)، دانشگاه

سازگار شونده: یک فرایند پیچیده، رویکردها و چشم اندازهای نو

در آموزش عالی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و

اجتماعی: ۶۴-۱۳.

9. LEJA, K. "Uniwersytet: tradycyjny — przedsiębiorczy — oparty na wiedzy" [University: Traditional – Entrepreneurial – Knowledge-Based], *Nauka i Szkolnictwo Wyz'sze* [Science and Higher Education] 28 (2006): 7–26.

۱۰. کوی، لو تان (۱۳۷۸)، آموزش و پرورش: فرهنگها و جوامع،

ترجمه دکتر محمد یمنی دوزی سرخابی، تهران، نشر دانشگاه

شهید بهشتی.

11. PAWŁOWSKI, K., *Spoleczen'stwo wiedzy-szansa dla Polski* [Knowledge-based Society – A Chance for Poland]. Kraków: Wydawnictwo Znak, 2004b.

12. EUROPEAN COMMISSION, *The Role of Higher Schools in the Europe of Knowledge, The Statement of the European Communities Commission* (5 February 2003). Brussels: European Commission. Retrieved on 15 December 2008, from <http://europa.eu.int/eur-lex/en/com/cnc/2003com2003_0058en01.pdf>, 2003.

13. EUROPEAN COMMISSION. "Joint Efforts for Growth and Employment. The Lisbon Community Program". *The European Commission's Communique' to the European Council and European Parliament*. Brussels: European Commission. Retrieved on 15 December 2008, from <http://ec.europa.eu/growthandjobs/pdf/COM2005_330_pl.pdf>, 2005.

14. PAWŁOWSKI, K., *The 'Fourth Generation University' as a Creator of the Local and Regional Development, Higher Education in Europe*, Vol. 34, No. 1, April 2009, Routledge.

15. Hendrickson, R. M., Lane, J.E., Harris J.T. & Dorman, R. H. (2013), *Academic Leadership and Governance of Higher Education*, USA, Stylus Publishing.

۱۶. مهدی، رضا (۱۳۹۵)، سیاستهای آموزش عالی بین‌المللی در

کشورهای همسایه شمال غرب ایران (ترکیه، ارمنستان،